

انتقاد يك درس علم الاشياء

روزی در یکی از مدارس بکلاس سه ابتدائی جهت تفتیش درس علم الاشياء رفته بودم معلم این کلاس هر چند دارالمعلمین ندیده ولی جوانی با ذوق و نسبه تحصیل کرده بود و اصولیکه راجع بتدریس باو خاطر نشان میشد سعی میکرد در دفعات بعد بموقع اجرا گذارد. دفعه قبل موضوع تدریس راجع بدرخت بود مشاهده شد قسمتهای مختلفه نبات (ریشه ، ساقه برك ، گل . . .) را مطابق آنچه که در کتب علم الاشياء مندرج است منتهی با قدری شرح و بسط تحت مذاکره و مذاقه اطفال قرار داده است باملايمت اورا متذکر ساختم که البته برای اینکه شاگردان در دفعه اول يك نظر کلی نسبت به نباتات پیدا کنند تشریح و تفکیک قسمتهای مختلفه يك درخت بد نیست ولی مقصود ما از علم الاشياء پر کردن کله اطفال از یکرشته مسائل معلومه که بخیال ما قبلا دیده و یا بعدها خواهند دید نمی باشد بلکه باید سعی نمود در این مواقع هر چه را که بانها میگوئیم ضمناً نشان بدهیم که اطفال با چشم خود به بینند و با دست های کوچک خود لمس نمایند در صورت لزوم بچشند و بو کنند بنا براین بهتر آنست که در آتیه موقع تدریس بنوبت یکی از قسمتهای نبات برای نشان دادن باطفال بکلاس آورده شود و تفاوت نمی کند که کدام قسمت را مقدم بردیگری قرار دهیم زیرا مقصود ما تدریس آناتومی نبات بطوریکه در علم گیاه شناسی معمول میباشد نیست

دفعه بعد دیده شد چند نمونه از برك بلوط و برك چنار آورده-

است ابتدا شرح قسمتهای مختلفه برك را از روی برك چنار داده بعد

هر دو نمونه برك را از هر کدام یکی بین طبقات کلاس توزیع کرد سپس یکی از برکهای چنار را در دست گرفته نشان داد که برکهای مثل این را فعلا کنار بگذارید و بمن بگوئید اسم آن یکی برك چیست برك بيچك آقا - خیر درست نگاه کنید - . . . ؟ - اسمش را نمیدانید حق دارید زیرا این درخت در طهران کم است والبته شما ندیده‌اید؟ اسم این برك برك بلوط است بگوئید برکهای بلوط چگونه درست شده‌اند سؤال قدری مبهم است. شاگردان ساکت میمانند. معلم ملتفت میشود که قدری باید بصراحت بیفزاید سؤال را تجدید میکند: رنگ آن چیست؟ - سبز است - وقتی دست روی آن میکشید دست شما را میگذرد؟ - خیر روی آن صاف و نرم است - آیا همه برکها بهم چسبیده‌اند؟ - نه از هم بریده و جدا هستند - بچند قسمت جدا هستند؟ - سه، چهار . . . (تمام اعداد را تقریباً میگویند) - نه بشمارید - به پنج قسمت - بلی خوب شمردید به پنج قسمت بریده شده است نمی بینید که این برك شباهت به پنج انگشت انسان دارد؟ - بلی آقا بلی آقا این مانند انگشتهای کوچک ماست و هر يك از اطفال دست خود را روی برك گذاشته و از مشاهده این شباهت حالت بشاشت و سرور در تمام شاگردان کلاس ایجاد میشود

ولی در قسمت ثانی درس یعنی مقایسه برك بلوط با برك چنار موفقیت کمتر است زیرا صفحه برك چنار با وجود بریدگی های عمیق برك کاملی است در صورتیکه برك بلوط بقسمتهای متمایز تقسیم شده - است (برك مرکب). راست است که معلم مزبور این اصطلاحات علمی را بزبان نمیآورد ولی خبطی که نموده این بوده است که در قسم برك

را یکمرتبه با هم توزیع نموده از ابتدا ذهن اطفال را مشتت کرده است اینک باصل قضیه و انتقاد درس فوق پردازیم: پس از خروج شاگردان از کلاس رو بمعلم کرده اظهار کردم البته ملاحظه کردید امروز بواسطه آوردن برك در کلاس چه توجهی در اطفال پیدا شد و چگونه شاگردان در پیدا کردن و دادن جواب بر یکدیگر سبقت میجستند این مسئله بتجربه رسیده است همینکه معلم يك یا چند شیئی را با خود بکلاس میاورد (یا روز قبل بشاگردان میگوید که بیاورند) حس کنجکاری اطفال بحرکت آمده منتظرند به بینند معلم چه چیز تازه میخواهد بآنها یاد بدهد اما لازمست حتی المقدور اشیاء را بعده شاگردان و یا لااقل بعده میز کلاس حاضر نمود چنانچه امروز برك باندازه نبود و دو میز آخر بدون برك ماند و شاگردان آن طبقات مجبور شدند مقابل میزهای دیگر بیایند و البته اینمسئله از نقطه نظر انتظام پسندیده نیست بعلاوه بهتر آن بود عوض برك بلوط برك دیگری انتخاب میشد که در طهران فراوان بود معلم اظهار عقیده کرد که در انتخاب برك بلوط تعمد نموده و خواسته است برگی را انتخاب کند که در طهران نادر باشد جواباً او را متذکر ساختم که این نیت تا اندازه خوبست ولی باید این نکته را رعایت کرد که شاگردان کلاسهای ابتدائی انقدرها وقت ندارند چیزهایی بیاموزند که شاید در عمر خود نه بینند. بدو لازمست توجه اطفال را باشیائی معطوف ساخت که اغلب ممکن است با آنها مواجه شوند

در آن واحد توجه طفل را بدو شیئی مختلف معطوف داشتن خالی از اشکال نیست و موجب تفرقه حواس خواهد بود مناسب چنین

بود اول از برك چنار صحبت كنيد و پس از آنكه كاملا اطفال آنرا شناختند برك دوم را نشان بدهيد در هر حال لازم بود قبلا هريك از آنها را عليه داده باطفال می شناسانديد و پس از اطمینان باینكه هیچ قسمتی بر آنها مجهول نمانده است شروع بمقایسه می کردید و عیب عمده درس امروز همین بود كه قبل از آشنا كردن ذهن اطفال و پیش از اینکه حس كنجكاوی آنها تهییج بشود بدون مقدمه بتدریس پرداختید این عیب را ممكن بود باسانی پیش بینی كنید مثلا بر ایشان نقل كنید از كجا در چه موقع و برای چه این برگها را بدست آوردید خلاصه با نقل يك قصه و تشریح مقدمه درس را شروع می كردید همچنین لازم بود كه شاگردان را بیشتر بحرف وا دارید مثلا اگر یکی از آنها میگفت من درخت چنار را می شناسم میبایستی از موقع استفاده کرده سوالانی چند در باب چوب و پوست و فواید چنار . . . بكنید و سایرین را بجوابهای صحیح یا غلط او متوجه سازید مقایسه برك بلوط با پنجه دست كاملا بجا و قابل تحسین است اما پسندیده نبود كه بجای اینکه خودتان بگوئید اطفال را وا میداشتید كه خودشان در جستجوی آن بر آمده شباهت را بیابند و البته تصدیق میفرمائید این طرز عمل گذشته از آنكه اطفال را قانع و رضایت باطنی در آنها تولید میکند برای پرورش قوای دماغی آنها مطلوب تر است

حبيب الله صحبجی

دبيله از دارالمعلمين فرانسه - مفتش قديم مدارس طهران

